# ۹۵۰۲۲۶-۷۵۷

**یک‌شنبه – جلسۀ ۱۳۱**

**أعوذ باللّه من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم الحمد للّه ربّ العالمین و صلّی اللّه علی سیّدنا محمّد و آله الطاهرین سیّما بقیّة اللّه في الأرضین و اللعن علی أعدائهم أجمعین.**

المصدود لایسقط عنه الحج بالهدی المذبوح بل یجب علیه الاتیان به فی القابل.

مصدود بعد از این که ذبح کرد قربانی را و از احرام خارج شد، فرموده اند که این حج ناقصش مجزی از حج واجب نیست. سال آینده اگر استطاعتش باقی باشد باید حج بجا بیاورد.

در مقابل این مطلب که نظر مشهور هست و مفاد این مطلب این است که مصدود در صورتی بر او واجب است حج در سال آینده که مستطیع باشد برای حج، ولی اگر مستطیع نیست برای حج یا قبلا حج واجبش را بجا آورده بوده، حج امسالش حج مستحب بوده، مشهور و منهم السید الخوئی می گویند لازم نیست سال دیگر حج بجا بیاورد. در مقابل این نظر نظر برخی هست که می گویند خود مصدود شدن و لو در حج مستحب سبب وجوب حج می شود بر این مصدود در سال آینده. اگر سال آینده حج بجا آورد و قبلا حج واجب بجا نیاورده بود تداخل می کنند. حج سال آینده اش می شود حجة‌الاسلام. ولی اگر مستطیع نبود یا قبلا حج واجبش را بجا آورده بود، به سبب صد حج سال آینده بر او واجب شده، امسال که مصدود شد به سبب صد حج سال آینده واجب شده. و نمی تواند چون من مستطیع نیستم یا قبلا حج بجا آورده بودم دیگر بر من لازم نیست که سال آینده حج بروم.

یکی از کسانی که این نظر را قائل است آقای زنجانی است. تعبیر ایشان این است که مصدود از حج سال آینده باید حج برود و لو حج امسالش مستحب است. بله اگر مصدود از عمره مفرده باشد، متحلل که شد با ذبح و حلق ماه های آینده یا سال آینده لازم نیست عمره مفرده بجا بیاورد. فقط مصدود از حج و یا عمره تمتع واجب است بر او حج من قابل. البته محصور که من صده المرض او فرق نمی کند. چه در حج چه در عمره تمتع و چه در عمره مفرده اگر این شخص محصور شد واجب است بر او اعاده حج یا اعاده آن عمره مفرده ای که در او محصور شده.

[سؤال: ... جواب:] مشهور گفته اند لایجب علی المصدود و کذا المحصور الحج من قابل الا اذا کان حجا واجبا که در صورتی که حج واجب باشد و استطاعتش در سال آینده باقی باشد واجب است سال آینده حج بجا بیاورد. در مقابل نظر مشهور نظری هست از جمله آقای زنجانی قائلند که از روایات استفاده می کنیم خود مصدود شدن سبب وجوب حج من قابل می شود. و لو حج امسال که مصدود در آن شدیم حج مستحب بوده باشد. و لو مستطیع نباشیم. فقط در مصدود از عمره مفرده گفته شده که اتیان به عمره مفرده دیگر لازم نیست بر مصدود بر خلاف محصور که محصور در عمره مفرده هم مثل محصور در حج واجب هست بعدا یک حجی یا یک عمره ای بجا بیاورد. آقای زنجانی گفتند از روایات هم استفاده کردیم که آن حجی که سال آینده بجا می آورد از سنخ همین حج امسال باشد. اگر امسال حج تمتع بجا آورده بود و مصدود یا محصور شد در آن سال آینده حج تمتع بجا بیاورد. اگر در حج افراد یا قران امسال مصدود شد و یا محصور شد سال آینده حج قران و یا افراد بجا می آورد. و اگر مصدود از عمره مفرده بود که گفته شد که لازم نیست بعدا عمره مفرده دیگری بجا بیاورد ولی محصور از عمره مفرده بعدا باید یک عمره مفرده دیگری بجا بیاورد.

این محصل فرمایش آقای زنجانی.

منشأ این اختلاف، اختلاف در فهم روایات است. برخی از روایات استظهار از آن ها شده وجوب حج من قابل بر مصدود و محصور. مثل معتبره ابی بصیر یعنی لیث بن البختری قال سألت اباعبدالله علیه السلام عن الرجل یشترط فی الحج ان حلنی حیث حبستنی علیه الحج من قابل؟ قال نعم. کسی که شرط احلال می کند با خدا در هنگام احرام و می گوید ان عرضنی عارض یحبسنی فحلنی حیث حبستنی، اگر محبوس شد از اتمام مناسک که اطلاق دارد محبوس شدنش بخاطر صد باشد یا بخاطر حصر، راوی می گوید علیه الحج من قابل امام می فرماید نعم.

در معتبره حمزة بن حمران، باز همین مطلب هست که الذی یقول حلنی حیث حبستنی فقال هو حل حیث حبسه و لایسقط الاشتراط عنه الحج من قابل.

در روایت محمد بن فضیل که شبهه این است که محمد بن القاسم بن الفضیل توثیق نداشته باشد ولی آقای سیستانی توثیقش می کنند. عن ابی الصلاح الکنانی قال سألت اباعبدالله علیه السلام عن الرجل یشترط فی الحج کیف یشترط؟ قال یقول حلنی حیث حبستنی فقلت له فعلیه الحج من قابل؟ قال نعم. و قال صفوان و قد روی هذه الروایة عدة من اصحابنا کلهم یقول ان علیه الحج من قابل.

این که گفته شد که این حکم مختص است به مصدود از حج و در مصدود از عمره مفرده واجب نیست اتیان به عمره مفرده دیگر، دلیلش صحیحه محمد بن مسلم است.

[سؤال: ... جواب:] و قال صفوان، ادامه روایت این طوری است. ... تعبیر این است که و قال صفوان. حالا یا محمد بن فضیل می گوید یا راوی قبل از محمد بن فضیل. و ظاهر این است که راوی قبل از محمد بن فضیل می گوید.

دلیل این که مصدود واجب نیست بر او اتیان به عمره مفرده، این روایت است؛ خوب دقت کنید! صحیحه احمد بن محمد بن ابی نصر بزنطی عن محرم انکسرت ساقه تا اینجا می آید: اصلحک الله ما تقول فی الحج؟ قال لابد ان یحج من قابل. فقلت اخبرنی عن المحصور و المصدود هما سواء؟ قال لا. قلت فاخبرنی عن النبی صلی الله علیه و آله حین صده المشرکون قضی عمرته؟ قال لا و لکنه اعتمر بعد ذلک. در این صحیحه امام فرمود که پیامبر که مصدود شد از عمره حدیبیه قضا نکرد آن عمره را و لکنه اعتمر بعد ذلک. یعنی بر مصدود قضاء عمره ای که در آن مصدود شد لازم نیست بر خلاف محصور. در محصور قضاء عمره مفرده لازم هست طبق اطلاقات و ظهور همین صحیحه بزنطی.

[سؤال: ... جواب:] راجع به و ان کان فی عمرة راجع به وجوب عمره مفرده اخری اگر این صحیحه بزنطی هم نبود که ممکن است ما استظهار کنیم می خواهد بگوید در مصدود قضاء عمره واجب نیست ولی در محصور واجب است اگر این هم نبود صحیحه معاویة بن عمار هست که راجع به من احصر دارد که ان کان فی عمرة، فاذا برء فعلیه العمرة واجبة. صحیحه معاویة بن عمار.

اشکالی که راجع به فرمایش آقای زنجانی می آید، مطرح می شود، این است که ممکن است بگوییم در این روایت صحیحه که الان می خوانیم ظاهر این روایت صحیحه معاویة بن عمار این است که حج من قابل مطلقا واجب نیست. در صورتی واجب است که حج واجب امسال بجا آورده بود. صحیحه معاویة بن عمار را بخوانم. رجل احصر فبعث بالهدی فقال یواعد اصحابه میعادا فان کان فی حج فمحل الهدی یوم النحر و ان کان فی عمرة فلینتظر مقدار دخول اصحابه مکة فاذا کانت تلک الساعة قصر و احل. و ان کان قد مرض فی الطریق بعد ما احرم و اراد الرجوع الی اهله رجع و نحر بدنة ان اقام مکانه. و ان کان فی عمرة فاذا برء فعلیه عمرة واجبة. و ان کان علیه الحج فرجع الی اهله و اقام فواته الحج کان علیه الحج من قابل. تعبیر را ببینید! و ان کان علیه الحج فرجع الی اهله و اقام فواته الحج کان علیه الحج من قابل.

این ظاهرش این هست که اگر حج بر او لازم بود و حج بجا نیاورد کان علیه الحج من قابل. این خلاف ظاهر هست که ما روایت را این طور معنا کنیم، بگوییم ان کان علیه الحج بگوییم و لو حج مستحبی که با احرام به عهده او آمد. این خلاف ظاهر است. ظاهر و ان کان علیه الحج فرض این است که این آقا محل شد. ان کان علیه الحج فرجع الی اهله فاقام فواته الحج. فرض این است که این ‌آقا محل شد. در عین حال حضرت وقتی می فرماید و ان کان علیه الحج کان علیه الحج من قابل این ظهورش این است که آقا! اگر بر شما حج واجب بود و بر عهده ات حج بود باید سال دیگر حج بجا بیاوری. یعنی اگر حج، امسال بر شما واجب نبود حج مستحب بجا آورده بودی و در او محصور یا مصدود شدی لیس علیک الحج من قابل. ظاهرش این است.

[سؤال: ... جواب:] ببینید! اگر می فرماید و ان کان فی حج حق با شما بود. دارد و ان کان علیه الحج کان علیه الحج من قابل.

هذا اولا. و ثانیا: در صحیحه ذریح محاربی راجع به اشتراط الاحلال که این روایات راجع به اشتراط الاحلال بود دارد که ان الله احق من وفی بمن اشترط علیه فقلت أ فعلیه الحج من قابل؟ قال لا. صریحا می گوید حج من قابل بر او لازم نیست. روایات دیگر هم در فرض اشتراط گفت علیه الحج من قابل و لو اشترط. لایسقط الاشتراط عنه الحج من قابل. این روایت هم در فرض اشتراط می گوید لیس علیه الحج من قابل. یا این است که تعارض و تساقط می کنند یا جمع عرفی دارند حمل بر استحباب می کنیم. استحباب دارد حج من قابل.

[سؤال: ... جواب:] عن رجل تمتع بالعمرة الی الحج و احصر بعد ما احرم حضرت فرمود مگر شرط نکرده بود احلال را ان عرض لی عارض فیحبسنی فحلنی حیث حبستنی گفت چرا شرط کرده بود. حضرت فرمود محل است دیگر مشکلی ندارد. گفت أ فعلیه الحج من قابل؟ حضرت فرمود لا. بقیه روایت می گفت علیه الحج من قابل و لو اشترط. یا تعارض و تساقط می کند. یا عرف حمل می کند این علیه الحج من قابل را بر استحباب. این اشکال دوم.

اشکال سوم: خوب دقت کنید!‌لنا ان نمنع از اصل ظهور در این روایات علیه الحج من قابل. این روایات علیه الحج من قابل شبهه راوی احتمال این بوده که آیا این که ‌آقا حج ناکام بجا آورد، محرم شد فصد عن الحج، آیا مجزی از حجة الاسلام هست؟ علیه الحج من قابل؟ امام می فرماید که بله، علیه الحج من قابل. یعنی حج از گردنش ساقط نمی شود. نه این که اگر حج واجبش را قبلا هم بجا آورده بود بخاطر این مصدود شدن یک بار دیگر باید حج برود. همچون ظهوری احراز نمی شود در این روایت.

[سؤال: ... جواب:] و لایسقط الاشتراط عنه الحج من قابل. یعنی فکر نکنید برای این حج ناکامش مراسم حج بر گزار می کنند و به عنوان یک حج صحیح خدا از او قبول می کند، نخیر؛ علیه الحج من قابل. این احتمال هست و لذا اگر فتاوی عامه را هم مراجعه کنیم، من الان در ذهنم آمد ممکن است مؤثر باشد در فهم این مطلب که ببینیم عامه راجع به حج من قابل در محصور و مصدود چی می گفتند که جو فقهی دست ما بیاید. ولی بهرحال اگر فتاوی عامه را هم نبینیم ما احتمال این را می دهیم که سؤال از این بود که آیا این حج مجزی است از حجة الاسلام؟ امام می فرمایند که نخیر علیه الحج من قابل. ... مثل این که می گویند اگر یک شخصی نماز در لباس نجس خواند آیا واجب است یک بار دیگر نماز بخواند؟ می گوید بله. این یعنی آن نماز واجبش با این ساقط نمی شود. اگر کسی نماز در لباس نجس بخواند علیه ان یصلی مرة اخری؟ قال نعم. حالا یک کسی در نماز احتیاطی مستحب یا در نمازی که با جماعت اعاده کرده لباسش نجس شده بگوییم اطلاق دارد این دلیل می گوید کسی که با لباس نجس نماز بخواند نمازش را یک بار دیگر بخواند. نه آقا؛ این بیش از این ظهور ندارد که آن نماز قبلی مجزی از نماز واجب نیست.

اما صحیحه بزنطی که راجع به محصور و مصدود فرق گذاشت آن فرقش معلوم نیست راجع به این بحث حج من قابل باشد. اتفاقا آقای زنجانی که می گویند فرقی نیست در حج من قابل بین محصور و مصدود.

[سؤال: ... جواب:] راوی می گوید محصوری که اشترط علی ربه ان یحله حیث حبسه، آیا حج من قابل بر او واجب است؟ حضرت می فرمایند بله بر او واجب است. بعد سؤال می کند محصور و مصدود یک حکم دارند؟ مساوی هستند؟ امام می فرمایند نه مساوی نیستند. ... نه؟ شاید مساوی نیستند در این که نساء بر محصور حرام است مگر یک طواف و سعی دیگری بکند در حالی که بر مصدود نساء حلال می شود. چون این مطلب را در روایات دیگر هم گفتند. گفتند و لیس المحصور کالمصدود. پیامبر وقتی مصدود شد به مدینه برگشت نساء بر او حلال بود. ولی محصور نساء بر او حرام است تا یک طواف و سعی در یک عمره یا حج دیگری بجا بیاورد. ... این که ما بیاییم صحیحه بزنطی را بگوییم اما در رابطه با محصور فرمود لابد ان یحج من قابل بعد راوی گفت محصور و مصدود یک حکم دارند یعنی در رابطه به حج من قابل بعد امام فرمودند نخیر این ها یک حکم ندارند بعد استظهار کنیم محصور با مصدود فرق می کند مصدود لیس علیه الحج من قابل و با این مطلب رد کنیم نظر آقای زنجانی را راجع به مصدود این مطلب، مطلب واضحی نیست. و شاید اخبرنی عن المحصور و المصدود هما سواء این راجع به مساوی بودن محصور و مصدود در جمیع احکام است نه در مورد حج من قابل. امام می فرمایند در همه احکام مثل هم نیستند نه این که در وجوب حج من قابل مثل هم نیستند. این را نمی خواهد بگوید. و فرض این است که در روایات دیگر مطلقاتی داشتیم که راجع به محصور و مصدود می گفت علیه الحج من قابل پس این اشکال به آقای زنجانی وارد نیست. باید اشکالات دیگر به ایشان کرد.

از این بحث گذشتیم.

[سؤال: ... جواب:] ما ظهور این روایت را نپذیرفتیم در این که بخواهد بگوید مصدود مثل محصور نیست در وجوب حج من قابل. یعنی المحصور لایجب علیه الحج من قابل بخلاف مصدود. ... مگر اخبرنی عن المحصور و المصدود هما سواء فی هذا الحکم گفت؟ گفت محصور و مصدود حکم شان احکام شان یکی است؟ حضرت فرمود نخیر؛ همه احکام شان یکی نیست. ... نخیر؛ تعدی نمی توانیم بکنیم از احکامی که برای محصور بیان شده است به مصدود او بالعکس. این یک قاعده ای دست بزنطی آمد. و بیشترین مطلبی که راجع به احکام محصور و مصدود بود این بود که نساء بر مصدود حلال می شود ولی بر محصور آیا حلال می شود یا نه؟ روایات ما می گوید بر محصور حلال نمی شود نساء مگر در فرض اشتراط احلال که ما پذیرفتیم. شاید بزنطی سؤال از این مطالب می کرد. نگفت هما سواء فی هذا الحکم الذی ذکرت. در این حکمی که شما گفتید که محصور لابد ان یحج من قابل سؤال کند که محصور و مصدود در این حکم مثل هم هستند امام بفرمایند نخیر. همچون ظهوری این روایت ندارد.

مسئله ۴۴۲: اذا صد عن الرجوع الی منی للمبیت و رمی الجمار فقد تم حجه و یستنیب للرمی ان امکنه فی سنته و الا فی القابل علی الاحوط.

مصدود از مبیت در منی و رمی جمرات روز یازدهم و دوازدهم مشکل ندارد. چون این اعمال خارج از حج است. صحیحه معاویة بن عمار گفت فقد فرغ من حج کله در روز عید قربان. شب یازدهم و دوازدهم بیتوته کردن، روز یازدهم و دوازهم رمی جمار کردن خارج از حج است پس مصدود عن الحج بر او صادق نیست. راجع به مبیت در منی نیابت بردار نیست علی الاحوط باید کفاره بدهد. راجع به رمی جمار هم اگر توانست نائب بگیرد اگر نتوانست احتیاط این است که سال دیگر قضاء بکند این رمی جمرات را بخاطر روایت محمد بن عمر بن یزید که می گفت سال دیگر اگر خودش حج آمد خودش قضاء کند در ناسی من اغفل رمی الجمار و اگر خودش نیامد یک شخصی از طرف او قضاء کند که سندش ضعیف بود حمل شد بر احتیاط مستحب. یعنی به عنوان احتیاط مستحب گفته شد یا احتیاط واجب که ظاهر کلام این مناسک اینجا احتیاط واجب هست بخاطر روایت محمد بن عمر بن یزید.

از این مسئله هم گذشتیم.

مسئله ۴۴۳: من تعذر علیه المضی فی حجه لمانع من الموانع کغیر الصد و الحصر فالاحوط ان یتحلل فی مکانه بالذبح.

برخی از افراد نه مصدود هستند نه محصور. مصدود کسی است که صده العدو. محصور آنی است که صده المرض. برخی نمی توانند اعمال حج را یا اعمال عمره تمتع را یا اعمال عمره مفرده را اتمام کنند بخاطر یک مانع دیگر. پول شان تمام شد. ماشین شان خراب شد.

مرحوم آقای خوئی فرموده است: کسی که بخاطر غیر منع عدو و غیر منع مرض، بخاطر موانع دیگر مثل باران شدید، گرمای شدید، یا تمام شدن پول، خراب شدن مرکب، نتواند اتمام کند حج و عمره را، این مشمول روایات مصدود و محصور نیست. روایات محصور و مصدود تعریف کردند گفتند المصدود من رده المشرکون کما ردوا رسول الله. محصور هم که گفتند مریض. آقای خوئی می فرمایند که البته ما در اطلاق آیه فان احصرتم حرفی نداریم. آیه اطلاق دارد. فان احصرتم یعنی فان حبستم عن اتمام المناسک بأی حابس و مانع. ولی بعید نیست که این روایات ظهور داشته باشد در تحدید آیه در این که مراد از احصار را تفسیر کند به مصدود که صده العدو یا به محصور که صده المرض.

و لذا به اطلاق آیه نمی توانیم تمسک کنیم بگوییم مطلق محبوس و ممنوع از اتمام مناسک وظیفه اش اجرای احکام مصدود هست که فما استیسر من الهدی. رجوع می کنیم به قاعده اولی. قاعده اولیه هم که می گوید هو حل حیث حبسه اشترط او لم یشترط. علاوه بر این که ما گفتیم مقتضای اصل عملی هم همین است. آقای خوئی می فرماید ما گفتیم مقتضای اصل عملی هم همین است. چرا؟ برای این که کسی که ممنوع بشود از اتمام یک مرکب اعتباری کشف می شود آن جزء اول عملش هم صحیح نبود آن تلبیه اش هم صحیحه نبوده. تلبیه وقتی صحیح نباشد یعنی محرم نشده. شک هم کنیم در حدوث احرام استصحاب عدم حدوث احرام جاری می کنیم. بلکه یقین هم بکنیم به حدوث احرام شک در بقاء بکنیم ما استصحاب بقاء احرام را استصحاب در شبهات حکمیه می دانیم جاری نمی دانیم.

و لذا دیگران که ممنوع می شوند از اتمام مناسک حج و عمره غیر از مصدود و محصور به مجرد عروض مانع از احرام خارج می شوند بدون نیازی به کاری. ولی احتیاط واجب این است که احکام مصدود را اجراء کنند چون شبهه اطلاق آیه فان احصرتم در جای خودش هست و لو ما بعید نمی دانیم روایات تحدید کرده این آیه را به محصور و مصدود ولی بخاطر شبهه اطلاق آیه ما احتیاط واجب می کنیم احکام مصدود را بار کنند. مطلق کسانی که مانعی از اتمام مناسک آن ها را منع می کند.

انصاف این است که این فرمایش درست نیست. همان طور که آقای زنجانی هم دارند اصلا مصدود یعنی من صده مانع من الخارج در مقابل محصوری که صده المانع الخارجی و هو المرض. بیماری، پیری که موجب ضعف شدید است این ها موجب می شود شخص محصور بشود. اما مانع خارجی:‌مرکبش تلف شد، پولش تمام شد، سیلی آمده، این ها همه داخل در محصور است.

[سؤال: ... جواب:] اولا به شما عرض کنم: این روایاتی که راجع به مصدود گفته رده المشرکون این ظهور در مثال دارد. مثال مانع خارجی. ثانیا: بر فرض ابهام داشته باشد، احتمال خصوصیت بدهیم در من صده العدو، واقعا ظهور ندارد در تخصیص آیه. آیه می گوید فان احصرتم فما استیسر من الهدی. این روایات دو مصداق بارز محبوس از اتمام حج را یا عمره را بیان کردند که مصداق بارزش یا این است که بخاطر دشمن نمی تواند اتمام کند مناسک را یا بخاطر بیماری. و الا وجدانا اگر بخاطر دوست، آمده می گوید نمی گذارم از جای خودش تکان بخوری، ندیدی پارسال چی شد می خواهی بروی ما را داغدار بکنی، هر چی می گویی اینجا مسجد شجره است من محرم شدم می گوید محرم شدی نشدی من نمی گذارم بروی مکه. این مصداق چیه؟ ... بنده عرض می کنم ظهور ندارد این روایات محصور و مصدود در تخصیص آیه. آیه می گوید فان احصرتم اگر ممنوع شدی از اتمام مناسک فما استیسر من الهدی. فاذا امنتم یعنی مشکل برطرف شد. مگر نمی شود سیل وقتی متوقف شد بگویند فاذا امنتم؟ امان پیدا کردید از سیل. آقا! شما از سیل نمی ترسی؟ شما از گرمای شدید نمی ترسی که نابود بکند انسان را؟ دچار بیماری گرما زدگی بشود از بین برود. ... نه؛ مریض نیست. گرمای شدید مکه و خرابی فرض کنید امکانات باعث می شود نگران جانش بشود. این که مریضی نیست. گرمای شدید، سیل شدید، باران شدید، این ها باعث می شود که صدق کند احصرتم بعد هم که این موانع برطرف شد فاذا امنتم.

و لذا به نظر ما حق با آقای زنجانی است. مصدود یا موضوعا یا لااقل حکما مطلق کسی است که مبتلی به مانعی شده است غیر از بیماری که نمی گذارد اتمام کند مناسک حج و یا عمره را.

مسئله ۴۴۴: می فرماید فما استیسر من الهدی اطلاق دارد: شتر باشد گاو باشد یا گوسسفند باشد فرق نمی کند. روایات هم که می گفت المصدود یذبح حیث صد و المحصور یبعث بهدیه او هم اطلاق دارد.

مشکل ما این است: تامل بفرمایید کسانی که متمکن از ذبح هدی نیستند مصدود شده اند محصور شده اند ولی می گویند ما نمی توانیم قربانی بکنیم چه بکنند.

نسب الی المشهور که گفتند بسوزند و بسازند. مصدود یذبح هدیا. محصور هم یبعث بهدیه. گوسفند نداری فکر می کنی مشهور فقهاء دل شان برای شما می سوزد؟ مشهور فقهاء گفتند مثل شرائع جواهر گفتند یبقی علی احرامه الی ان یقدر علیه او یقدر علی اتمام المناسک.

تامل بفرمایید ببینیم این مشکل را می شود برطرف کرد یا نه ان شاء الله فردا.